

اثرات برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی بر تحولات برنامه‌ریزی

و الگوهای توسعه و عمران شهری در شوروی

دکتر حسین حاتمی نژاد

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه تهران

صابر محمدپور^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

ایوب منوچهری

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران

چکیده

ابداع و بکارگیری برنامه‌ریزی متمرکز در راستای حل مسائل و مشکلات شهری و ایجاد تحولات در توسعه و عمران شهرها و در کل اقتصاد یک سرزمین در نظام جدید سوسیالیستی در شوروی انجام پذیرفت که بر اساس کلیت عمومی عوامل تولید و مداخله همه جانبه دولت استوار گردیده بود. این تدارکات در قالب برنامه‌های توسعه به اجرا گذاشته شد که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تجربه برنامه‌ریزی متمرکز سوسیالیستی به پایان عمر خود رسید. در این مقاله سعی شده است که به ابعاد مختلف تحولات شهری در شوروی از قبیل روند ایجاد و توسعه شهرهای جدید، تحولات مسکن و توسعه اجتماعی-اقتصادی و کالبدی، مسائل ناحیه‌ای، میکرورایون شهری و در کل سیاست شهری در قالب برنامه‌ریزی متمرکز پرداخته شود و تجربیات یک نظام متمرکز سوسیالیستی در تحولات شهرسازی شناخته شده و جنبه‌های مثبت آن مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

هدف این مقاله بررسی روند تحولات شهرسازی و شهرنشینی و رشد اجتماعی-اقتصادی و توسعه شهری در قالب برنامه‌های سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی قبل از فروپاشی و رسیدن به یک شناخت علمی در زمینه برنامه‌ریزی در یک سرزمین وسیع و آگاهی از تجربیات آنهاست.

کلید واژه‌ها: برنامه‌ریزی متمرکز، شهرهای جدید، تحولات شهرسازی و مسکن، توسعه اجتماعی-اقتصادی، سوسیالیسم

مقدمه

بعد از انقلاب ۱۹۱۷ به‌ویژه از اواخر دهه ۱۹۲۹ اتحاد جماهیر شوروی به سرعت به صنعتی شدن روی آورد و روابط انسان و طبیعت و تفکرات حاکم بر فضای اجتماعی و اقتصادی شوروی بازتابی از نگرش انسان محوری از جهان بود و جغرافیدانان و دانشمندان شوروی معتقد بودند که مسائل محیطی رامی توان با کمک دولت و تکنولوژی حل کرد، منابع غذایی جدید به وجود آورد و منابع طبیعی را به صورت منطقی به خدمت گرفت (شکوئی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

بعد از انقلاب یکی از نتایج صنعتی شدن اتحاد جماهیر شوروی، توسعه سریع شهرها و شهرهای کوچک بوده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. در سال ۱۹۱۳ تنها ۱۸٪ مردم شوروی در شهرها زندگی می کردند این نسبت در سال ۱۹۷۹ به ۶۲٪ جمعیت رسید روشن است که این افزایش جمعیت شهری بیشتر از طریق مهاجرت های روستایی حاصل گشته است به طوری که میان سالهای ۵۹-۱۹۲۷ تقریباً ۴۳ میلیون نفر از روستاها به شهرهای شوروی مهاجرت کردند (شکوئی ۱۳۶۵، ص ۱۷۲) در اتحاد جماهیر شوروی در بسیاری از بخشها و نواحی شهری که از دیرباز مورد گزینش جمعیت بوده و آبادی و عمران یافته بودند از همان قدیم الایام دارای استعداد کامل کشاورزی بودند لکن بعدها استعداد صنعتی هم پیدا کردند، شبکه محله ها و نواحی شهری افزایش پیدا کردند، شهرها و شهر- روستاهای جدید در نواحی بکری که به تازگی از منابع طبیعی آنها بهره برداری می شد به وجود آمدند و همچنین به موازات تقویت کل استخوان بندی شهری نواحی شهری که بنیان و اساس آنها بر پایه مراکز و مجتمع های بزرگ صنعتی استوار بود ایجاد گردیدند (محلای، ۱۳۷۲، ص ۲۳۹).

شوروی یک جامعه غیراستعماری و سوسیالیستی بود. سوسیالیسم همان مالکیت دولتی تلقی می شد که با برنامه ریزی متمرکز همراه بود نرخ رشد، تامین خدمات گسترده اجتماعی، فقدان بیکاری و تورم ساختگی شدید مورد تاکید قرار می گرفت از این دیدگاه طبقه کارگری که به برابری کامل وسعت یافته بود، قدرت سیاسی را از طریق مشارکت در تصمیم گیری های محلی بدست آورده بود (کولائی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۶).

روش تحقیق

در این پژوهش شیوه تحقیق توصیفی-تحلیلی، و روش جمع آوری اطلاعات مبتنی بر شیوه کتابخانه ای و اسنادی است. بدین منظور با استفاده از کتب، مقالات، پژوهشها، گزارشها و اسناد مرتبط با موضوع مطالب مورد نظر فراهم گردیده است.

برنامه ریزی متمرکز سوسیالیستی در شوروی:

پس از جنگ جهانی دوم با تاسیس سازمان ملل متحد و پا گرفتن نهادهای مختلف بین المللی، موضوع بازسازی اقتصادی-اجتماعی کشورها، جنبه جهانی به خود گرفت و برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی ابعاد وسیع تری پیدا کرد و الگوهای موفق برنامه ریزی ملی به الگوهای جهان مبدل شد که از جمله می توان به طرح مارشال در غرب و شورای کمکهای اقتصادی در شرق اشاره کرد (مهدیزاده، ۱۳۸۵، ص ۹). در شوروی در حدود سال ۱۹۶۰ نخستین انتقادات جدی به نظام برنامه ریزی بی انعطاف و مبتنی بر شاخص های صرفاً کمی مطرح شد و انجام برخی اصطلاحات در دستور کار دولت و حزب کمونیسم قرار گرفت (تاپیون، ۱۳۷۵، ص ۳۱۶). اروپای غربی و اروپای شرقی هر دو اتفاق نظر داشتند که توسعه اقتصادی

را می توان و باید برنامه ریزی کرد. از جهت نظری نظرات اقتصادی کینز در غرب و تجربه سوسیالیسم شوروی در شرق ، نوید دهنده در شیوه های موثر مدیریت اقتصادی بود (همان منبع، ص ۵۶) .

در شوروی یکی از بازتاب های برنامه ریزی متمرکز تاثیر آن در الگوی توسعه و عمران شهری و منطقه ای بود. با رشد و توسعه صنعتی در شوروی و در نتیجه گسترش سریع شهرها شهرسازان روسیه با وظایف بزرگی مواجه شدند که برای سایر کشورهای اروپایی موضوعی ناشناخته بود. به دنبال انقلاب سوسیالیستی در سال ۱۹۱۸ کلیه زمین های کشور ملی اعلام شد و وظیفه توسعه و عمران شهرها به عهده دولت و بخش عمومی واگذار گردید در سالهای اولیه بعد از انقلاب مجادلات و مناقشات زیادی در عرصه شهرسازی و ارائه الگوهای جدید در گرفت و بحث ساختن شهرهای سوسیالیستی در حوالی سال ۱۹۳۰ به اوج خود رسید حتی در این دوره کسانی که به شهرستیزان معروف شدند، طرح نابود کردن شهرهای موجود را بعنوان بقای فرهنگ غیر انقلابی مطرح ساختند باین همه شهرسازان شوروی در پرتو شور و شوق انقلابی آن سالها با گامهای موثری در راه کاهش تفاوت شهر و روستا، توسعه خانه سازی برای کارگران، ایجاد شهرک های اقماری در اطراف شهرک های بزرگ و... برداشتند. اما از سویی دیگر بسیاری از نظرات آرمانی و پرشور اولیه که آشکارا از زمان خودپیشی گرفته بودند در عمل با اشکالات عدیده ای مواجه شدند (اعتضادی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۴).

نتایج اولیه اقتصاد برنامه ای در شوروی با توجه به عقب ماندگی تاریخی روسیه و شرایط فلاکت بار پس از جنگ جهانی بسیار موفقیت آمیز و چشمگیر بود به نحوی که تاثیری گسترده در سایر نقاط جهان بجا گذاشت و اندیشه برنامه ریزی متمرکز نه تنها در اردوگاه شرقی بلکه در بسیاری از کشورهای جهان سرمایه داری به ویژه در کشورهای جهان سوم به اشکال مختلف بکار گرفته شد در همان سالهای اتمام برنامه ۵ ساله اول شوروی (۳۳-۱۹۲۸) که عملا در چهار سال به پایان رسید جواهر لعل نهرو و به ستایش از نتایج اجرای این برنامه پرداخت و گفت: اکنون هرکس از طرح و برنامه و از برنامه های ۵ ساله، ۱۰ ساله و ۳ ساله و غیره سخن می گوید شوروی ها هستند که به این کلمات مفهومی اعجاز آمیز افزوده اند (تفضلی، ۱۳۴۳، ص ۱۸۰۷).

نخستین برنامه ۵ ساله شوروی در سال ۱۹۲۸ به اجرا گذاشته شد برنامه دوم در سال ۱۹۳۲ به مرحله اجرا درآمد برنامه سوم به دلیل وقوع جنگ جهانی دوم معوق ماند، ولی به مجرد پایان گرفتن جنگ، نظام برنامه ریزی متمرکز در قالب برنامه های ۵ ساله همچنان ادامه پیدا کرد (منصور، ۱۳۶۳، ص ۱۲۵) .

در سال های پس از جنگ جهانی دوم الگوی توسعه اقتصادی متمرکز شوروی در سراسر اروپای شرقی و مرکزی مورد تقلید قرار گرفت . برنامه ریزی فراگیر و متمرکز اقتصادی در شرایط رقابت نفس گیر میان دو اردوگاه شرق و غرب به سمت توسعه صنایع سنگین و کشاورزی اشتراکی گرایش پیدا کرد و در نتیجه از تولید کالاهای مصرفی و بهبود زندگی روزمره مردم بازماند بامرگ استالین در سال ۱۹۵۳ و شروع اصلاحات دوران خروشچف (۵۸-۱۹۵۶) تغییراتی در نظام برنامه ریزی شوروی پدید آمد از جمله چندین سازمان برنامه ریزی متمرکز منحل شد و به جای آنها تعداد ۱۰۵ واحد اقتصادی منطقه ای تاسیس گردید. در سال ۱۹۶۲ انتقادات جدی نسبت به برنامه ریزی متمرکز مطرح شد و انجام برخی اصلاحات جدید در نظام برنامه ریزی و دستور کار قرار گرفت (پیرحیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۷).

کشورهای سوسیالیستی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده‌ای داشتند برای کاهش زیان‌های ناشی از بزرگی شهرها تمام ابزار و وسایل را در اختیار می‌گیرند و قبل از هر چیز جهت و سمتی به زیر بنای اقتصادی خود می‌دهند و به انتخابی بسیار دقیق در مورد اعمال و اقدامات دست می‌زنند به عبارت دیگر برای نیل به اهداف مذکور به یک رشته عملیات اقتصادی-اجتماعی اقدام می‌ورزند. صورت‌بندی مراکز مسکونی شهری باتحولات چشمگیری که در زمینه زیربنای اقتصادی شهرهای بزرگ حاصل شد و پیچیدگی‌های مفصل و بغرنجی که بر آنها عارض گردید ایجاد سازمان فضایی متمرکز و پیشرفته تری برای این قبیل شهرها لازم شد. این ضرورت موجب ایجاد محل‌ها و اراضی جدید و ایجاد شهرک‌های بزرگی شده که به وسیله شبکه‌های ارتباطی فوق العاده فشرده و پیچیده به شهر بزرگ و اصلی پیوند می‌خورد (محلای، ۱۳۷۲، ص ۳۲۳). برنامه ریزی، اساس مدیریت توسعه در جامعه سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد این امر نمایانگر مهمترین وظیفه یک دولت شورایی است که پیشرفت برنامه‌ریزی شده اقتصادی و اجتماعی را تضمین کند در سیستم کلی برنامه‌ریزی اقتصادی ملی اتحاد جماهیر شوروی سه جنبه وجود دارد:

۱ - اقتصاد ملی: که به مجموعه واحد اقتصادی کشور ارتباط می‌یابد.

۲ - بخش یا گروهی که با گروه‌ها و مجموعه‌های میان بخش پیوند دارد.

۳ - ناحیه‌ای یا منطقه‌ای.

ایجاد همبستگی بین توسعه بخشی و توسعه منطقه‌ای دشوارترین مسأله در هدایت اقتصادی ملی هر سیستم اقتصادی-اجتماعی است در شرایط حاکمیت سوسیالیسم این دشواری به وسیله جنبه‌ی ناحیه‌ای برنامه‌ریزی مرتفع گردیده است (امین، ۱۳۶۶، ص ۷).

در کل می‌توان گفت که برنامه‌ریزی از نظر مدیریتی و در برگیرنده جهت‌گیری‌های کلی و اساسی نظری است.

۱ - متمرکز و اجباری (شوروی سابق)

۲ - نیمه متمرکز (اروپای شرقی)

۳ - مختلط (فرانسه و انگلستان)

۴ - ارشادی (ژاپن)

۵ - موضوعی و موردی (آمریکا) (سیدپور، ۱۳۸۶، شماره ۷: ۳۷۶۹).

شوروی یک جامعه غیر استعماری و سوسیالیستی بود. سوسیالیسم همان مالکیت دولتی تلقی می‌شد که با برنامه ریزی متمرکز همراه بود. نرخ رشد، تامین خدمات گسترده اجتماعی، فقدان بیکاری و تورم ساختگی شدید مورد تاکید قرار می‌گرفت، از این دیدگاه طبقه کارگری به برابری کامل دست یافته بود و قدرت سیاسی را از طریق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی بدست آورده بود (کولانی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۶).

روند تحولات شهرسازی در شوروی:

از نظر تاریخی برنامه‌ریزان اتحاد جماهیر شوروی یک مدل عقلایی افلاطونی از محله، شهر، منطقه مادر شهری را بکار بسته‌اند. چون همیشه این مدل در مسکو توسط گروهی برنامه‌ریز برگزیده بوجود آمد که به اعتقاد خودشان توانایی پاسخ‌گویی به علایق عمومی در کشوری با یکصد گروه قومی را بود در مقابل فلسفه برنامه‌ریزی انسان

مرکزی شهروندان بیشتری را به مشارکت دعوت می‌کند و نظارت محلی - منطقه ای را برای یافتن راه حل تحقق خواسته‌های مردم و پاسخگویی به نیازهای آنها مجاز می‌شمارد و چه بسا در آینده نزدیک این رهیافت گسترش می‌یابد (هیل، ۱۳۷۰، ص ۵۵).

تغییرات اجتماعی و سیاسی در دوران انقلابی متمایل به اعمال تجدید نظر کامل در عقاید رایج در مورد شبکه شهری موجود در کشور بودند یعنی شایسته‌ترین شکلی که می‌بایست به شهرها و زندگی روزانه مردم داده شود. در سال ۱۹۱۸ زمین‌ها ملی شد و ساختن شهرها به عهده سرمایه‌گذاری‌های عمومی قرار گرفت و در حالی که ظاهر نظامی که به تازگی سرنگون شده بود پا بر جا بود. مانند: بسط بی رویه شهرها، اختلاط کارخانه‌ها با سکونتگاه‌ها وضعیت بی سر و سامان اموال عمومی تضاد بین بخش مرکزی و بخش حاشیه ای شهرها که اولی نسبتاً در وضع قابل قبولی بود ولی دومی به وضعی نامناسب توسط کارگران کارخانه‌ها اشغال شده بود. در این میان بحث‌های پیرامون مسائل زیربنایی در رابط با ساختن شهرهای سوسیالیستی آغاز گردید و در حوالی سال ۱۹۳۰ به اوج خود رسید (اعتضادی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵).

معماران و اقتصاددانان شوروی به دلیل مبارزه ای که علیه شهرها مطرح کرده بودند به شهرستیزان شهرت یافتند ایشان به موازات اجرای طرح‌های جدید صنعتی پشتیبان ساختن محورهای استقرار به جای احداث شهرهای جدید بودند که می‌بایست در طول جاده‌ها کشیده شوند و مردم را در مناطقی جای دهند که با تسهیلات لازم تجهیز شده و در نزدیکی کارخانه‌ها و مزارع قرار داشته باشند.

توزیع جمعیت به این روش نه تنها از تشکیل مجتمعات شهری بزرگ جلوگیری می‌کرد بلکه در عین حال سبب می‌شد تا تفاوت‌های شهر و روستا نیز از میان برداشته شود (همان منبع، ۱۳۶۱) در شوروی شهرستیزان و حتی طرفداران راه حل‌های متعادلتر و میانه روها هم با تمرکزهای جدید شهری مخالف و خواستار از میان برداشتن مجتمع‌های بزرگ موجود بودند اما با این تفاوت که موجودیت شهر را بعنوان یکی از انواع استقرار پذیرفته بودند البته ساکنان آن از حدود چند ده هزار نفر نباید تجاوز می‌کردند (همان منبع، ص ۱۳۸).

پس از جنگ جهانی دوم جمعیت اتحاد جماهیر شوروی تحت تاثیر پیامدهای نوسازی سریعتر قرار گرفت و در دهه ۱۹۸۰ این جمعیت بسیار شهر نشین و آموزش دیده شده بود و درصد بیشتری از نیروی کار در موقعیت حرفه‌ای «یقه سفیدها» به عنوان نیروی کار حرفه ای قرار گرفتند و بدین ترتیب طبقه متوسط شهری توسعه یافت. در شوروی تاکید زیادی بر موضوعات علمی، تاریخی می‌شد به همین دلیل مرزهای بسیار زیادی در زمینه‌های بسیار مختلف در این کشور به وجود آمده است (کولانی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۰).

اتحاد جماهیر شوروی شکل مالکیت خصوصی زمین را حل کرده بود و شهرهای جدید با برنامه ریزی‌های قبلی ساخته می‌شدند در شهر سازی روسیه هدف منحصر به فرد بهبود اجتماعی بوده و معماران در مقیاس وسیعی فعالیت می‌کردند و سیمای کشور به سرعت تغییر و تحول می‌یافت. شناخت این واقعیات و آگاهی از اهمیت آنها مرگ شهرسازان اروپایی غرب بود و افکار و عقاید آنها را به تحریک نیز وا می‌داشت (اعتضادی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۲). لوکوربوزیه طی دیدارهایی که در سال ۱۹۳۰ از مسکو به عمل آورده بود دشواریهایی که در حیطه شهرسازی فرانسه مانع پیشرفت کارها بود با سرعت عمل و قدرتی که در همین زمینه در روسیه وجود داشت، مقایسه کرد. وی مسکو را سرزمین

موعود اهل فن می نامد و همچنین مقاله ای را که برای سومین کنگره C.I.A.M می فرستند. از ساختن چهارصد شهر جدید که در برنامه عمرانی ۵ ساله روسیه پیش بینی شده بود سخن می گوید. علی رغم شباهت های ویژه به اهداف شهرسازی روسیه با هدف هایی که در سایر نقاط جهان مطرح بود ولی با آنها کاملا متفاوت بود. در اروپا و آمریکا غالبا در پی یافتن راه حلی برای ایجاد محیط زیستی مناسبتر برای جامعه ای بودند که تحولات در آن به نر می صورت می گیرد درحالی که در روسیه تغییرات اجتماعی با گام های انقلابی سریع پدید آمدند و هدف معماران در آنجا سرعت بخشیدن به ساختار کمونیسیم بود به طوری که لیستیکی این چنین می نویسد: معماران تشخیص دادند که وظیفه ایشان شرکت فعال در ساختن یک دنیای جدید است (همان منبع، ص ۱۴۳).

شهرهای جدید در شوروی

جغرافی دانان اتحاد جماهیر شوروی برای عنوان اقمار شهرها اصطلاح اسپوتنیک^۲ را داده اند که بر روی مداری و پیرامون ستاره ای مادر شهر جایگزین می شود. داوید دویچ جغرافی دان جماهیر شوروی اقمار شهرها را با ویژگی های زیر می - شناسد:

- ۱- اقمار شهرها بخشی از جمعیت خود را برای فعالیت های روزانه به شهر مرکزی اعزام می کنند.
- ۲- اقمار شهرها اصولا خدمات خود را به ویژه در زمینه خدمات فرهنگی از مادر شهر می گیرند.
- ۳- اقمار شهر بخشی از جمعیت مادر شهر را برای تفریح و استراحت در خود می پذیرد و لازمه ی چنین پیوندی داشتن وسایل ارتباطی گسترده امکان پذیر است (فرید، ۱۳۸۲، ص ۱۸۴). شهرهای جدید مستقل در کشورهای سوسیالیستی با اهدافی کاملا متفاوت با این گونه شهرها در اروپای غربی و آمریکا بوجود آمده اند در شوروی سابق مانند سایر کشورهای سوسیالیستی هدف از ایجاد نو شهرها تسهیل در طرح ریزی سرزمینی با ایجاد یک فضای مناسب زندگی برای کارگران است که در بخش صنعت کار می کنند و نیز در تقویت پایه های اقتصادی ناحیه نفوذ به کار گرفته می شوند (Gideon, 1979, p44).

بنابراین از ۸۰۰ شهر جدیدی که در شوروی سابق از سال ۱۹۱۷ تا سال ۱۹۷۳ ساخته شده ۳۵۰ شهر جدید مستقل در نواحی کمتر توسعه یافته ایجاد شده اند (Osborn, 1977, p99).

اهداف اصلی سیاست شهری شوروی سابق (شهرهای جدید) عبارتند از :

- ۱- محدود کردن رشد شهرهای بزرگ و تقویت شهرهای جدید اقماری کوچک و متوسط تا با انجام آنچه که آمریکایی ها آن را به کار بردن زور برای توسعه می نامیدند بتوانند صنایع و جمعیت سرزمین اروپایی را بسوی شرق در نواحی وسیع ماوراء اورال هدایت کنند.
- ۲- بهره وری بهتر از منابع عظیم نفت و چوب زغال سنگ در سبیری و سازندگی مناطق دور افتاده و عقب مانده
- ۳- طراحی شهرها یا حفظ محیط زیست و بناهای تاریخی و مصون ماندن زمین های کمیاب کشاورزی از توسعه شهری

²-sputnic

۴- نابرابری کمی و کیفی مسکن و خدمات حمایتی در شهرها و نیز اختلاف سطح زندگی شهری و روستایی کاهش می یابد (Under hill, 1990, p263).

در شوروی سابق از دوره صنعتی شدن آن یعنی از انقلاب ۱۹۱۷ به بعد بیش از ۸۰۰ شهر جدید و حدود ۲ هزار سکونت گاه شهری ساخته شده است این شهرها به مثابه ابزاری برای پیشبرد سیاست انتقال جمعیت به سرزمین های دور افتاده و کمتر توسعه یافته محسوب می شوند در سه برنامه ۵ ساله این کشور ۱۲۵-۱۰۰ شهر جدید ایجاد شده است. به طور کلی در ۵۰ سال گذشته ۳۵٪ از رشد جمعیت شوروی سابق در این شهرها جذب شده اند (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۶۰). اجرای سیاست ملی از طریق ایجاد شهرهای جدید در شوروی سابق نسبتا موفق بوده، زیرا متناسب بارشد شهرنشینی آن می باشد (همان منبع، ص ۶۲). برنامه ریزان شوروی حد مطلوب جمعیتی شهرهای جدید را بین ۱۵۰ هزار تا ۲۰۰ هزار نفر و برای شهرهای از ۱۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار نفر در نظر گرفته بودند و همواره ترتیبات ناحیه ای ارتباط بین کوچک ترین و بزرگ ترین سکونت گاه ها را مشخص می کرد به طور کلی در ۴۰ سال اول حکومت شوروی سابق فقط دو شهر مسکو و لنینگراد بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشتند که هر دو پیش از انقلاب اکتبر هم بزرگ بودند (hill 1990, p100).

گرچه بیشتر جنبه های ساختار برنامه ریزی شهرهای جدید بریتانیا و ساختار شهرهای جدید شوروی سابق اثر گذاشته است ولی در مسکن و دیگر استانداردها اختلاف نظر وجود دارد که از شرایط اقتصادی، فن آوری ایدئولوژی متفاوت آنها ناشی می شود. مثلا در شوروی سابق تساوی طلبی و تاکید بر صرفه جویی و کاربرد انبوه روش های صنعتی در شکل و تراکم شهرهای آن اثر گذاشته است. در شهرهای بزرگ شوروی سابق بلندی ساختمان ها حداقل نه طبقه و حداکثر ۱۲ طبقه تا ۱۶ طبقه است.

برعکس در دوره استالین، بیشتر بناها، ساختمانهای ۵ طبقه ارزان قیمت بود که در آنها از پله استفاده می شد (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۶۲). در شوروی با اینکه اجرای سیاست اسکان از راه ایجاد شهرهای جدید نسبتا با موفقیت همراه بوده است، سیاست کنترل جمعیت در شهرهای بزرگ علیرغم دهها سال تلاش موفقیتی به بازنیارده است. یکی از دلایل آن بروز عدم موفقیت در کنترل جمعیت شهرهای بزرگ شوروی نیت متفاوت بنگاه های اقتصادی قدرتمند و برنامه ریزان است (مهدوی، ۱۳۷۰، ص ۴۹).

اهداف سیاست شوروی در دستیابی به رشد ملی متعادل، توسعه مناطق عقب مانده و محدود کردن رشد شهرهای بزرگ چندان با سیاست کشورهای غربی تفاوت نمی کند. تفاوت در روشهای دستیابی است که برای رسیدن به این اهداف دنبال می شوند با این وجود سیاست های جدید لیبرالی در عصر گوربا چوف مطرح شدند (همان منبع، ص ۴۵).

روند برنامه ریزی ناحیه ای در شوروی

برنامه ریزی در کشورهای سوسیالیستی ابزار اراده و توسعه جامعه بشمار می آید در اتحاد جماهیر شوروی تقسیمات سیاسی با تقسیمات برنامه ریزی کشور منطبق نبود علاوه بر تقسیم سیاسی کشور به ۱۵ جمهوری مناطق اقتصادی نیز وجود دارند که حاصل تقسیم کار ناحیه ای می باشد. برنامه ریزی اساس مدیریت توسعه در جامعه سوسیالیستی را تشکیل می دهد، از نظر متدولوژیکی برنامه ریزی ناحیه ای بر نظریه عمومی برنامه ریزی اقتصاد ملی شوروی اتکا دارد که به نوبه خود از اقتصاد سیاسی سوسیالیسم نشات گرفته است. میزان پیشرفت در جوامع سوسیالیستی وابسته به

عوامل جمعیتی و نیازمندی‌های قانون پایه‌ی سوسیالیسم است که در سیاست اجتماعی حزب کمونیسم جماهیر شوروی تعیین شده است. در اتحاد جماهیر شوروی در کنار سایر انواع برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی ناحیه‌ای بازتاب دهنده یکی از اصول اساسی جامعه شوروی یعنی اصل تمرکز دموکراتیک است که رهبری متمرکز و توجه به منافع کشوری و محلی را با یکدیگر تلفیق می‌کند. برنامه ریزی ناحیه ای نقش مهمی در اتحاد جماهیر شوروی نه فقط به دلیل وسعت خاک و تنوع زیاد شرایط طبیعی و اقتصادی بلکه به لحاظ ترکیب چندملیتی جمعیت آن کشوربازی می‌کند (همان‌منبع، ص ۱۷).

تجارب طولانی اتحاد جماهیر شوروی در برنامه ریزی ناحیه ای نشان می‌دهد که این نوع برنامه ریزی مهمترین وسیله تضمین برقراری یک تلفیق منطقی از توسعه منطقه‌ای و توسعه بخشی و منافع دولت مرکزی و منافع ملی به شمار می‌آید (همان‌منبع، ص ۲۰).

میکرو رایون^۳، اساس برنامه‌ریزی شهری در شوروی

واحد انتخابی در برنامه‌ریزی منطقه واحد های مسکونی در شهرهای شوروی میکرورایون می‌باشد که تا حدودی با واحدهای خودیاری محله در شهرک‌های جدید انگلیسی برابری می‌کند فکر ایجاد میکرورایون به دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد اما شکل‌گیری آنها از سال ۱۹۵۸ به بعد می‌باشد (شکوئی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۸).

اهداف ایجاد میکرورایون

۱- همراهی میان بخش‌های سکونت و سازمانهای خدماتی شهر در یک سطح محدود تا توسعه شهری با اصول منطقی صورت بگیرد.

۲- از نظر ایدئولوژی شوروی، میکرورایون‌ها مطلوبترین جامعه محلی بشمار می‌روند که در آنها، خانواده‌ها روابط صمیمانه‌ای با هم برقرار می‌سازند (همان‌منبع، ص ۱۶۹).

از نظر ایدئولوژی بخش میکرورایون واحد اصلی توسعه مسکونی بود که خانوارهای هسته‌ای متشکل از زوج‌های جوان رادر خود جای می‌داد (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۶۳).

یک میکرورایون درزمینی به وسعت ۳۰ تا ۵۰ هکتار ساختمان می‌شود، جمعیت میکرورایون در اوایل کار ۵۰۰۰-۳۰۰۰ نفر بود که بعدها به ۱۲۰۰۰ نفر و گاهی تا ۲۰۰۰۰ نفر افزایش می‌یافت. ساخت جمعیتی و اجتماعی میکرورایون‌ها را تنها نزدیکی به محل کار تعیین می‌کند از این رو در یک میکرورایون صاحبان شاغل گوناگون زندگی می‌کنند. شاید این امر در عدم ایجاد روابط صمیمانه میان همسایگان موثر افتد. با توجه به افزایش تدریجی اتومبیل در شوروی میکرورایون‌ها کمتر به فکر خانواده‌های صاحب اتومبیل بوده است. تراکم جمعیت در ساختمانهای بلند مرتبه بسیار زیاد می‌باشد و فضای سرانه در آپارتمانها محدود گرفته شده است. هر میکرورایون از شبکه‌های اصلی ترافیک جدا شده است و اغلب آنها بوسیله کمربند فضای سبز احاطه می‌شوند (شکوئی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۱).

³. microrauun

تحولات مسکن و سیاست شهری در شوروی

به دنبال انقلاب کارگری که دگرگونی کامل در مساله مسکن را سبب شده بود، حکومت شوروی مبادرت به ملی کردن خانه‌های بورژوازی کرده بود. نقش حزب کمونیست در آن است که وضع خانواده کارگری را بهبود بخشد و با تخریب خانه‌های ملی شده مبارزه کند. در شهرها حکومت شوروی در مقابل بحران بسیار شدید مسکن قرار داشت، بحرانی که به سبب توقف هر گونه ساختمان سازی جدید ایجاد شده است و حکومت برای توزیع متعادل مسکن شهروندان سخت تلاش کرده است، بخش‌های شوراهای مسکن بر همه واحدهای مسکونی آزاد نظارت داشته مستاجرین را بر مبنای یک طرح مصوب در آنجا ساکن می گرداند (حبیبی، ۱۳۷۶، صص ۲۰۸-۲۰۷).

یکی از اهداف اصلی سیاست شهری شوروی کاهش نابرابری‌های کمی و کیفی مسکن خدمات حمایتی در شهرها و نواحی مختلف و کاهش اختلافات سطح زندگی شهری و روستایی است. در این کشور گوس تروی^۴ استانداردهای اولیه ای را در مورد میزان، مکان و ترتیب تسهیلات کارخانه‌ای، خانه سازی و خدمات محلی برای سراسر کشور معین می کرد. با اعمال برنامه پروپسکا^۵ (بازسازی اقتصادی) گورباچف، اتحاد جماهیر شوروی دستخوش دگرگونی‌های بنیادی شده است که به طور مستقیم و غیر مستقیم تاثیرات بالقوه عظیمی در خانه سازی و جوامع محلی شوروی خواهد گذاشت (مهدوی، ۱۳۷۰، ۶۳).

سیاست جدیدی که برخانه سازی تاثیر گذاشت گلاس نوست یاسیاست ایجاد فضای باز است که می تواند آمادگی پذیرش مشکلات و اشتباهات را به وجود آورد. سیستم برنامه ریزی و ساختمان سازی در شوروی بسیار متمرکز بود و عملاً تشکیلات شوروی بر تبعیت دوگانه استوار بود (همان منبع، ۴۷).

انحصار دولتی دیرپا در ساختمان سازی تساوی طلبی و تاکید بر صرفه جویی و کاربرد انبوه روشهای صنعتی تاثیر اساسی در نما و شکل و تراکم شهرهای شوروی به جا گذاشته است. اگر بازار مسکن خصوصی وجود داشت و تقاضای محرک آن می بود و مصرف کنندگان قدرت انتخاب مسکن خود را می داشتند، شهرهای جدید شوروی از بنیان با آنچه امروز هست تفاوت می کرد طبعاً تخصیص منابع اعتباری بیشتر به خانه سازی و تاسیسات پشتیبان آن کیفیت و ظاهر شهرهای شوروی را بهتر می کرد. یکی از مشخصه های اصلی خانه سازی در مناطق شهری شوروی، مراکز زیاد آنها بود (همان منبع، ص ۵۱).

در شهرهای جدید شوروی واحد مسکونی پایه برای طرح ریزی شهری قطاعی به صورت بلوک های بزرگ بود و نسبت به اندازه شهر هر قطاع شهری بین ۶ تا ۱۲ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده بود در شهرهای بزرگ، چند محله به صورت خوشه‌ای با ۲۵ تا ۸۰ هزار نفر جمعیت قرار گرفته بودند محلات و نواحی شهری هر کدام مراکز خدماتی جداگانه‌ای داشتند قطاعها گرد مدرسه یا مرکز خرید شکل می گرفتند، صنایع با حفاظی از بخش مسکونی جدا می شدند و کنترل آلودگی باروشهای رقیق سازی انجام می گرفت در این شهرها گروه‌های نژادی، قومی، اقتصادی و

⁴Goss Troy

⁵Propiska

اجتماعی از یکدیگر تا حدودی جدا نشده بودند از این رو تشخیص تفاوت بین مسکن افراد نخبه و کارگر دشوار بود (Underhill, 1995, p276).

با وجود بهبود شرایط، وضعیت مراکز خرید و ارائه سایر خدمات در شهرهای کوچک و مناطق حاشیه ای شهری نسبت به شهرها و نواحی بزرگ، کیفیت به مراتب پایین تر داشته اند یکی از دلایل گرایش قوی مهاجرت به شهرهای بزرگ بوده است و در این شهرها مطلوبیت نقطه، ناحیه مرکزی آن است، فضای سبز در مجتمع های مسکونی شوروی حتی در مدرن ترین آنها غالباً ناکافی بود. یکی از دستاوردهای خانه سازی در شوروی فقدان نسبی جذابیت های نژادی و قومی در نواحی توسعه یافته جدید است (مهدوی، ۱۳۷۰، ص ۵۲).

آن چیزی که در همه شهرهای جدید شوروی تکرار می شوند فقدان توجه به تنوع در خانه سازی شوروی بوده است که یکی از اولویت های اصلی در سالهای آینده بهبود کیفیت طراحی شده است، اجازه خرید و ساخت مسکن به افراد در شوروی می توانست به تنوع و کیفیت شهرهای شوروی کمک کند، چراکه اعضای دولتی ساختمان سازی در شهرهای بزرگ و تکیه بر کار با قطعات پیش ساخته استاندارد شده یکنواختی ملال انگیزی به بار آورده است (همان منبع، صص ۵۴-۵۳).

طرح های مناطق مسکونی سرشار از نظریات نوین بوده اند انواع واحدهای مسکونی به گونه ای طراحی شده بودند که از خدمات اشتراکی در حد بالایی بهره مند بودند در این طرح ها جهت گیری ساختمان ها چنان بود که از بهترین موقعیت استفاده از آفتاب بهره مند و از باران مزاحم نیز در امان باشند. شبکه خیابان های محلی از جهت خیابان های اصلی تبعیت نکرده و مستقلاً طراحی شده بودند، استقرار بناها در طرح به صورت ردیف های متوازی بودند نهایتاً جستجو هایی نیز در رابطه با شکل های نوین معماری در این طرحها به عمل آمده بود (اعتضادی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۹).

بسیاری از معماران بومی طرفدار سوسیالیزه کردن نیازهای مختلف زندگی روزمره مانند مسکن، خوراک، آموزش و پرورش کودکان و... بودند آنها انواع خدمات راپیش بینی کرده و حتی کمونهای مسکونی را طراحی کرده بودند که ابدا مسکن خانوادگی در آنها وجود نداشت بلکه در واقع خوابگاه هایی بودند که به طور کامل به انواع خدمات عمومی مجهز شده بودند (همان منبع، ۱۳۸).

در شوروی اهداف اسکان در سطح ملی بر سیستم یکپارچه و متمرکز با برنامه ریزی بلند مدت و جامع اقتصادی، اجتماعی و کالبدی استوار بود، نهادهای دولتی امور خانه سازی را انجام می دادند و جمعیت را با سیستم مجوز پروپیسکا کنترل می کردند که شامل مجوز کار و مسکن بود در شوروی مسئولیت امور مسکن کل کشور گوس تروی نامیده می شد و در سطح پایین تر کمیته های ایالتی طرح های شهرهای قدیم و جدید را سازماندهی می کردند. برنامه ریزی و تنظیم بودجه را موسسه برنامه ریزی دولتی گوس پلان اجرامی کرد و گوس پلان در کل سطوح سیستمی کمونهای برنامه ریزی شرکت داشت و در سلسله مراتب پایین تر کمون های برنامه ریزی شهری قرار داشت که به سرعت توزیع عملیاتی در کارخانه های صنعتی نظارت داشت (زیاری، ۱۳۷۸، صص ۵۹-۵۸).

در سالهای پس از انقلاب پیش بینی حدود تغییراتی که در شکل های زندگی آینده پدید خواهد آمد کار آسانی نبوده، مشکل تر از آن ارزیابی آهنگ احتمالی تغییرات و در نتیجه تغییر افکار آرمانگرایانه از عقاید واقع گرایانه بوده عقاید نظری

شهرسازان که غالباً بر اصولی ذهنی متکی و چندان قابل اطمینان نبودند، دیر یا زود می بایست که مضمحل شوند (اعتضادی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۳).

علی رغم اینکه شهرستیزان از عقاید خود به یاری بحث هایی بایستوانه اقتصادی دفاع می کردند اما آنچه عملاً ارائه می دادند چیزی جز یک الگوی پرهزینه و غیراقتصادی نبود زیرا چنان طرح هایی به ناچار موجب پراکندگی وسیع ساختمان ها و بالا رفتن هزینه ها می شد (همان منبع، ص ۱۴۰).

در کشور شوروی علی رغم تولید انبوه مسکن همواره کوشش می شد تا به حداقل فضای سرانه مسکونی یعنی حدود ۱۲ مترمربع دست یابند. استانداردهای واحد سرانه مسکن شوروی سابق نصف استانداردهای بریتانیاست اگرچه خانه های ویلاقی و ویلایی با باغ هایشان در حومه ها وجود دارند این نوع مسکن در راس تولید قرار نداشت و در شهرهایی که اندازه متعادل داشتند احداث نمی شدند (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۶۲).

برنامه ریزی توسعه اجتماعی-اقتصادی شوروی

برنامه ریزی توسعه اقتصادی کشور بیانگری یکی از مهمترین امتیازات سوسیالیسم می باشد این امر یکی از دستاوردهای خارق العاده علمی و اجتماعی قرن بیستم و تجربه انقلابی تحول زندگی اجتماعی و حلقه رابط اداره اقتصاد ملی سوسیالیستی به شمار می آید. برنامه ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی بر اساس کاربرد وسیع یک نظام تحقیق علمی قبل از برنامه ریزی که جزء لاینفک برنامه ریزی متمرکز اقتصاد شوروی به مثابه یک مجموعه واحداقتصادی ملی است شکل گرفته است (امین، ۱۳۶۶، ص ۶۴).

در نظام اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی شاخص نقش مهمی در برنامه ریزی منطقی ای ایفا کرده است زیرا فقط تخصص تضمین کننده اجرای وظایف عمده ایست که در برابر کلیه جمهوری های اتحاد و مناطق اقتصادی قرار دارد. نظام برنامه ریزی سوسیالیستی بر اساس تجربیات طولانی برنامه ریزی اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای بلوک شرقی شکل گرفته است.

قانون عینی و بااهمیت توسعه نوین اقتصاد سوسیالیستی در کشور شوروی، عبارت بود از: تشکیل مجتمع های اقتصادی بزرگ که جایگاه نخست در میان آنها از دیدگاه مقیاس تولید و اهمیت اقتصادی - اجتماعی به مجتمع های کشت و صنعت اختصاص می یابد (محلای، ۱۳۷۲، ص ۳۱۳).

با قدرت گرفتن اتحاد جماهیر شوروی و ایجاد بلوک شرق جهان وارد یک نظام قطبی و مبارزه میان سرمایه داری و سوسیالیسم گردید. در شرایط جدید و در متن رقابت جنگ سرد میان دو اردوگاه نظریه اقتصاد آزاد تا حدودی زیادی به کنار زده شد و نظریه اقتصاد مختلط و سوسیال دموکراسی در کشورهای غربی رواج پیدا کرد. در نتیجه نقش برنامه ریزی عمومی و مدیریت دولتی رو به توسعه نهاد و سازمانها و مقررات زیادی در عرصه ملی و بین المللی برای برنامه ریزی توسعه اقتصادی اجتماعی از جمله توسعه و بحران بوجود آمد (پیرحیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۷).

در اتحاد جماهیر شوروی اسکان مجدد ساکنان روستایی در روستاهای مدرن از اهمیت اقتصادی و اجتماعی عظیمی برخوردار بود اشکال منطقی اسکان مجدد ساکنان روستا و تبدیل روستا ها به مناطق مسکونی نوع شهری مدرن با خانه سازی و امکانات اجتماعی مدرن و خدمات گسترده در ارتفاع سطح زندگی جمعیت روستایی در بالا بودن بازده تولید کار در کشاورزی و نیل به هدف تاریخی زدودن تفاوت بین شهر و روستا نقش عمده ای ایفا می کند (آکادمیسین، ۱۳۶۱، ص ۱۵۱).

میخائیل گورباچف رهبراصلاحات شوروی در کتاب خود پروستریکا (دهه ۱۹۸۰) به نارسایی مدیریت اقتصادی کشور و ضرورت تحول در مدیریت متمرکز اقتصادی اشاره می‌کند و می‌نویسد: هدف این اصطلاحات این است که طی دو یا سه سال آینده به جای رهبری اقتصادی بیش از حد متمرکز که متکی بر فرامین عمل می‌کند روشی مورد عمل قرار گیرد که آمیزه‌ای از متمرکز دموکراسی و خودگردانی باشد (گورباچف، ۱۳۶۶، ۴۱).

پروستریکا در لغت به معنی بازسازی به مثابه چتری بود که برنامه اصلاحات گورباچف را در برمی‌گرفت پروستریکا با تمرکززدایی در تصمیم‌گیری سیاسی، اقتصادی، افزایش آزادی‌های سیاسی، نوسازی بر اساس بازسازی تکنولوژیک و سیاست خارجی جدید در اتحاد جماهیر شوروی همراه بود نخستین بار در آوریل ۱۹۵۸ گورباچف کلمه پروسترویکا را به کار برد و آن را به مفهوم بازسازی اساسی و تاسیس مکانیسم‌های اقتصادی در کشور به کار گرفت و فعال ساختن عامل انسان را مطرح نمود و از طریق کاهش فساد و افزایش کارایی اقتصادی روش خود را مشخص نمود. تاکید بر بهبود مدیریت‌های اقتصادی و تصمیم آن از جمله موارد مورد توجه گورباچف بود (کولائی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

در ایجاد نیروی کار شهری در شوروی باید گفت که صنعتی سازی سریع و تحول اجتماعی وسیعی را بوجود آورد اشتراکی سازی نهادها و طریق زندگی طبقه دهقان را نابود کرد تحول طبقه کارگر شاید چندان آشکارخشن نبود ولی با این وجود یک ذهنیت و یک سلسله سنتها نابود شد. به جای آن چیز تازه‌ای ظهور کرد: کارشوروی نوین حتی در طی انقلاب نیز جامعه شوروی در چنین حالت تغییر دائمی نبود (مه‌دی‌ان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲).

نتیجه‌گیری

به عنوان یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که اتحاد جماهیر شوروی بعد از انقلاب ۱۹۱۷ به سرعت به صنعتی شدن پیشرفت منجر به توسعه سریع شهرها و شهرهای کوچک شد که تا به امروز نیز ادامه یافته است که این توسعه در قالب یک برنامه ریزی متمرکز (برنامه ۵ ساله) در راستای حل مسائل و مشکلاتی که در شهرها وجود داشت انجام پذیرفت که بر اساس مالکیت عمومی عوامل تولید و مداخله همه جانبه دولت استوار بود و در نهایت با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این تجربه برنامه ریزی متمرکز خاتمه یافت در شوروی یکی از بازتابهای برنامه ریزی متمرکز تاثیر آن در الگوهای توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای این کشور بود و به دنبال انقلاب سوسیالیستی در این کشور در سال ۱۹۱۸ وظیفه و عمران توسعه شهرها به عهده دولت و بخش عمومی واگذار گردید و بحث‌های فراوان پیرامون عرصه شهرسازی و ارائه الگوهای جدید در گرفت و موضوع ساخت شهرهای سوسیالیستی در حدود سال‌های بعد از انقلاب مطرح شد، و شهرسازان با شور و شوق انقلابی خود اقدامات موثری در راه کاهش تفاوت بین شهر و روستا توسعه خانه سازی و ایجاد شهرک‌های اقماری انجام دادند. به طور کلی نتایج اولیه اقتصاد برنامه‌ای در شوروی با توجه به عقب ماندگی تاریخی روسیه و شرایط بسیار آشفته بعد از جنگ جهانی موفقیت آمیز بوده و اندیشه برنامه ریزی متمرکز در بسیاری از کشورهای جهان بکار گرفته شد.

در اتحاد جماهیر شوروی بحث‌های پیرامون مسائل زیربنایی در رابطه با ساختن شهرهای سوسیالیستی آغاز گردید و در حوالی سال ۱۹۳۰ به اوج شکوفایی خود رسید و در مجموع ساختن چهارصد شهر جدید در برنامه عمران ۵ ساله روسیه پیش‌بینی شده بود که در نهایت اجرای سیاست ملی از طریق ایجاد شهرهای جدید در شوروی سابق موفق

ارزیابی شده است زیرا متناسب با رشد شهرنشینی آن بود. همچنین ساختار برنامه ریزی شهرهای جدید شوروی از شرایط اقتصادی، فن آوری و ایدئولوژی های متفاوت آنها ناشی شده بود. یکی از اهداف سیاست شهری در شوروی کاهش نابرابری های کمی و کیفی مسکن و خدمات حمایتی در شهرها و نواحی مختلف و کاهش اختلاف سطح زندگی شهری و روستایی بوده با این وجود مهاجرت به شهرهای بزرگ به دلیل مطلوبیت آنها پیوسته وجود داشته است دریک نتیجه گیری کلی می توان گفت که کشور شوروی با بکارگیری یک نظام برنامه ریزی متمرکز سوسیالیستی توانست تحولات شگرفی در الگوهای توسعه و عمران شهری به وجود آورد که اساس آن مالکیت دولتی بود و توانست الگویی برای سایر کشورهای جهان باشد.

منابع

- اوستروفسکی واتسلاف (۱۳۷۸). شهرسازی معاصر، از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن. ترجمه لادن اعتضادی. تهران: مرکز دانشگاهی دانشگاه،
- بری، ال، یا (۱۳۶۳). برنامه ریزی اقتصادی. ترجمه سید حسن منصور. تهران: نشر نو،
- تاپیون، فرانک (۱۳۷۵). تاریخ اقتصادی اجتماعی اروپا از سال ۱۹۳۹ تا کنون ترجمه کریم پیرحیاتی. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- جک، آ، آندرهیل (۱۳۷۰). شهرهای جدید شوروی، طرح ریزی و سیاست شهری. ترجمه مهدوی. مجله آبادی. سال اول شماره ۲ پاییز.
- چونگوف، پاوکنو (۱۳۶۶). برنامه ریزی در شوروی. ترجمه محمد ابراهیم امین. تهران: انتشارات پیشبرد،
- زیاری، کرامت الله (۱۳۷۸). برنامه ریزی شهرهای جدید. تهران: انتشارات سمت،
- سید پور، جواد (۱۳۸۶). روزنامه ایران شماره ۳۷۶۹
- شکوئی، حسین (۱۳۶۵). جغرافیای اجتماعی شهرها. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی،
- شکوئی، حسین (۱۳۸۴). فلسفه ی محیطی و مکتب های جغرافیایی جلد دوم. تهران: انتشارات گیتا شناسی،
- صرافی، مظفر (۱۳۷۷). برنامه ریزی توسعه منطقه ای. تهران: سازمان برنامه و بودجه،
- طوروف آکادمیسین خاچار، (۱۳۶۱). اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی. ترجمه حسن منصور. تهران: انتشارات آگاه،
- فرید، یدالله (۱۳۸۲). جغرافیا و شهرشناسی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، نشر مرکز فرهنگی و انتشاراتی پالیز،
- کردوانی، پرویز (۱۳۷۲). جغرافیای ممالک و نگاهی به اوضاع بعضی از جمهوری های شوروی سابق و دیگر کشورهای سوسیالیستی و ترکیه
- کنز، پیتز (۱۳۸۱). تاریخ اتحاد شوروی ترجمه علی اکبر مهدیان. تهران: انتشارات امیرکبیر،
- کولائی، الهه (۱۳۸۵). سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،
- کولائی، الهه (۱۳۷۲). اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی،
- گروه آکادمی محلی روسیه (۱۳۸۰). روسیه در یک نگاه، بدون نام مولف
- گروه اعضای آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۷۲). انسان، جامعه محیط زیست ترجمه صلاح الدین محلاتی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،
- گورباچوف میخائیل (۱۳۶۶). دومین انقلاب روسیه، پروستریکا. ترجمه عبدالرحمن صدریه. تهران:
- مهدیزاده، جواد و همکاران (۱۳۸۵). برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران) - وزارت مسکن و شهرسازی
- نهر، جواهر لعل (۱۳۴۳). نگاهی به تاریخ جهان. ترجمه محمود تفضلی. جلد ۳، تهران:

رابرت، ب. پاتر، سلی لوید (۱۳۸۴). شهر در جهان در حال توسعه. ترجمه کیومرث ایراندوست و همکاران سازمان شهرداری و دهیاری های کشور

Gentile Michael (2004). **Studies in transformation of past**, soviet cities, case studies from Kazakhstan, Golany Giden (1979). **international, Urban policies**, New York, John Wiley & Sons, Under Hill, Jack (1990). **Soviet Towns, Planning & National Urban Policy**; Town Planning Review, No 96,

Archive of SID